



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روزهای پنجم و ششم

وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن را برنامه‌ریزی می‌کنند و سامان می‌دهند. جهانی که در آن تنها تجربه‌های مردانه موضوع کاملاً پذیرفتنی و درخور بحث همگانی به حساب می‌آید و تجربه‌های زنان تنها در حاشیه می‌تواند به موجودیت خود تداوم بخشد. در چنین جهانی نه تنها به زبان زنانه رسیدن سخت است، بلکه پرداختن به مضامین مربوط به زنان و ستم مضاعفی که بر آنها می‌رود نیز کاری بس دشوار است. اما با این حال در این جهان، زنانی هم بوده‌اند که فارغ از وضعیت

صد و سی و هشتمین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان «کارنامه زنان در عرصه ادبیات» که به بحث و تبادل نظر با برگزیدگان نخستین جایزه ادبی پروین اعتصامی اختصاص داشت، سوم شهریور ماه در حضور جمع کثیری از داستان نویسان و علاقه‌مندان به ادب و فرهنگ ایرانی در خانه کتاب برگزار شد. در ابتدای این نشست منصوره شریف‌زاده (داستان نویس) در باب غلبه نگاه مردسالارانه بر ادبیات تصریح کرد: اصولاً جهان، جهان مردانه‌ای است. جهانی است که مردان

انتزاع ادب رود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازمان

خود را درباره زندگی و تجربه‌های خاص خود را از طریق داستان به نمایش بگذارند. تجربه‌هایی که نمایانگر تضادهای اغلب دردبار و تحمل‌ناپذیر زندگی‌شان است. آنان در هنگامه درگیری با این ستیزه‌جویی‌ها و نادیده‌انگاری‌ها، دست به نوشتن داستان می‌زنند. گرچه، نگاه مرد سالارانه همچنان بررمان و داستان زنان سایه می‌اندازد اما امروزه می‌توان گفت که کم‌کم زنان، زبان خویش را بازیافته‌اند. دیگر، زن نقش «فرشته‌خانه» را در آثار ندارد و یا «زن گمراه» را. رفتارها

موجود، خود و موقعیت خویش را در ادبیات بیان کرده‌اند. آنها توانسته‌اند از طریق داستان‌های آفریده خویش، خود را بشناسانند. کسانی چون کاترین منسفیلد و ویرجینا وولف تصویر واقعی خود را در سیمای شخصیت‌های آثارشان به نمایش گذاشته‌اند.

وی در باب وضعیت زنان داستان نویس در ایران گفت: در ایران گرچه ادبیات زنان همچنان تحت سیطره ذهن و زبان مردانه است اما تعدادی از نویسندگان زن می‌کوشند، فارغ از وضعیت موجود، نگرش

حساب شده و به دور از کلیشه است. نویسندگان زن، دریافت‌ها و تجربیات خود را درباره مسائل مهم اجتماعی از طریق داستان بیان می‌کنند.

وی در ادامه سخنان خود افزود: در مرکز هر داستان معمولاً نمونه‌ای از شخصیت زن معرفی می‌شود که در جست‌وجوی کشف هویت خویش است. نویسندگان زن امروزی به نگرش‌های نوینی دست یافته‌اند. در این مسیر هستند کسانی که بیشتر به رمانس روی آورده‌اند. هر نویسنده‌ای اعم از مرد یا زن، دارای سبک خاص خود است اما لحن و نگاه زنانه و پرداختن به درونیات و افکار زنان، چنان پیچیده است که معمولاً نویسندگان مرد به ندرت می‌توانند تصویر دقیقی از آن ارائه دهند. البته از سوی برخی نویسندگان مرد کوشش‌هایی صورت گرفته است اما این کوشش‌ها از بیرون است و از واقعیت درون زنان نیست. به عبارتی ذهن و زبان نویسندگان مرد متکی بر مشاهداتی از بیرون درباره زنان و مسائل آنان است. دنیای زنان و درونیات آنها به خاطر ساختار بیولوژیکی‌شان، چنان پیچیده و ظریف است که گاه خود آنها نیز در شناخت آن با مشکل مواجه می‌شوند.

در ادامه این نشست رؤیا صدر (طنز نویس) ضمن بیان این امر که در سال‌های اخیر طنز از نظر کمیت روند رو به رشدی نداشته و نقش زنان نیز چندان پررنگ نبوده است، در باب نقش زنان در طنز نویسی بعد از انقلاب اذعان داشت: پس از انقلاب سه جریان عمده در برخورد با مسائل زنان در مطبوعات رشد می‌کند: نقد عملکرد ارگان‌های حکومتی در برخورد با مقوله زن، تداوم نگاه ابزاری و جنسیتی به زن و تداوم حرکت فکاهی نویسی قبل از انقلاب در برخورد با مسئله زن. اما از سال ۵۸ به بعد به همراه محدودیت‌های ایجاد شده در عرصه طنز، محدودیت‌هایی نیز در طرح مسئله زنان در نشریات و جراید به چشم می‌خورد، با محدود شدن نگاه ابزاری و جنسیتی نسبت به زن، آرام آرام، اخلاق‌گرایی در طنز نویسی نهادینه می‌شود و پس از آن نگاه ابزاری به زن خود به خود مه‌ار می‌شود. در این میان از سال ۶۳ به بعد برخورد مرحوم کیومرث صابری با زن قابل تقدیر است. او نگاهی در دشناسانه به زنان داشت و بر بعد سیاسی و اجتماعی آنان تأکید می‌کرد. همراه با باز شدن فضای اجتماعی، طرح مسائل زنان و نگاه به مسائل اجتماعی آنان بیشتر شد.

وی در ادامه سخنان خود یادآور شد: بعد از انقلاب به رغم محدود شدن نگاه غیر اخلاقی، هنوز هم نگاه مقتدر و مردسالارانه در فضای نوشتاری ما حاکم است و این سبب شده تا شاهد بروز جریانی مستمر در عرصه طنز زنانه نباشیم. زنانی به منصب ظهور نرسیدند که طنز زنانه را در ادبیات ما به وجود آورند. علت این امر به این مسئله بازمی‌گردد که طنز، اجتماعی‌ترین گونه ادبی است. قدرت حاکم بر جوامع، قدرتی مردانه است و موضوع سیاست، کسب قدرت. پس در حوزه طنز سیاسی،

زنان نمی‌توانند حضور چشمگیری داشته باشند. به رغم تمام این مسائل بعد از انقلاب اولین نشریه طنز با مسئولیت یک زن در تبریز با عنوان «جوالدوز» آغاز به کار کرد و نویسندگان زن طنزنویس، آثاری را خلق کردند. با این حال حرکات این افراد را نمی‌توان نوعی جریان‌سازی مستمر در عرصه طنز که به جریان طنز زنانه ختم شود، به شمار آورد.

پس از آن چیستا یغربی در باب اقبال چشمگیر زنان در سالیان اخیر به امر نمایش‌نامه نویسی تصریح کرد: نمایش‌نامه نویسی در ایران و به خصوص نمایش‌نامه نویسی زنان، در سال‌های اخیر با تحول اساسی



رو به رو بوده است و زنان حضور بسیار چشمگیری در این زمینه داشته‌اند. اساساً نمایش‌نامه نویسی در تمام دنیا، جزء ادبیات جوان تری محسوب می‌شود و در ایران نیز به شکل مضاعفی جوان است. بررسی نمایش‌نامه نویسی زنان ایرانی بدون بررسی افت و خیز و تحولات جامعه‌ای که او در آن قلم می‌زند، ممکن نیست. در این حیطه نمایش‌نامه نویسی از مخاطب خود باز خورد می‌گیرد و مخاطب هم نیازمند است تا از مسائل و نیازهای روحی و روانی این زمانی و این مکانی او سخن بگوید. رابطه نمایش‌نامه نویسی و جامعه، همانند رابطه رگ و خون، رابطه‌ای سازمان‌مند و دو طرفه است. حضور جدی و پیگیر زنان در این عرصه در سال‌های اخیر به دلیل نیاز شدیدی است که جامعه به طرح برخی از مسائلی که در آثار زنان با موشکافی بیشتر بیان می‌شود در خود حس می‌کند.

وی ضمن اشاره به نقش زنان در جامعه در این باره گفت: ادبیات از انسان روح خود را می‌گیرد. زن مظهر خلاقیت و زندگی است و در مرکز نقل زندگی قرار دارد و مجبور است نقش مادر و همسری خود را با روحیه‌ای خلاق و پربار ایفا کند. تجلی والای ادبیات در عرصه نمایشی زنان تا حدی به این ویژگی زن وابسته است که این امر در داستان نویسی هم رخ می‌دهد. زن مجبور است در تمام جنبه‌های زندگی حضور داشته باشد، چرا که جامعه امروز ما، جامعه‌ای چالش‌گر است که بحث فرصت‌ها در آن مطرح شده است و تمام انسان‌ها برای شکوفایی به فرصت برابر نیاز دارند تا در جهت انسان‌تر شدن خود، تلاش کنند و از



کلی‌گویی جدا شوند. این تحولات شکست شیوه‌های معمول روابط را می‌طلبد و به دنبال مجموعه‌ای از روایات متفاوت از مسائل است. یثربی همچنین گفت: انتظار مردم و مطالبات آنها از زندگی افزایش یافته است. زنان امروز علاوه بر نقشی که در خانواده دارند در عرصه جامعه چه بخواهند و چه نخواهند حضوری اجتماعی دارند. پس جامعه ما به سمت این پویایی رفته است که دیگر در آن زن فقط در چارچوب خانواده، تعریف نمی‌شود. در عرصه‌های مختلف اجتماع حضور دارد و نگاهی تیزبین، حساس و تحلیل‌گر دارد.

یثربی با بیان اینکه نمایش‌نامه‌نویس الزاماً نباید از درگیری‌ها و مسائل روز بنویسد و می‌تواند صرفاً از تخیل خود در نگارش بهره بگیرد، افزود: زن نمایش‌نامه‌نویس اگر این کار را بکند، اثرش موفق نخواهد بود. زمانی اثر او موفق است که از تجربیات زیسته خود، به عنوان یک

زن، مادر و یا کسی که دائماً در حال تلاش و تکاپو است در نگارش بهره گیرد. پس ناگزیر است، واکنش‌های اجتماعی اطراف خود را بنویسد و این جذاب است. نگاه واقع‌گرای اجتماعی زن در این سال‌ها بر مخاطبان تأثیر گذاشته است.

پس از آن چپستا یثربی درباره دلایل موفقیت نمایش‌های زنان در این سال‌ها اظهار داشت: اگر در نمایشی درون‌مایه‌های فرهنگی، بومی، ایرانی، وجود داشته باشد، همیشه بیشتر دلخواه مخاطب است و تأثیر بیشتری در جامعه می‌گذارد. توجه زنان نمایش‌نامه‌نویس به این حوزه یکی از دلایل اقبال به آثار آنان است. حتی توجهی که زنان نمایش‌نامه‌نویس به اسطوره دارند، رنگ و بوی ایرانی و امروزی بودن را به خود گرفته و مخاطب در آن می‌تواند زنی ایرانی، اسلامی و امروزی را ببیند. پس با دغدغه‌های او هماهنگ است. به عبارتی نگاه نمایش‌نامه‌نویسان زن، فرانجسیتی و انسانی شده است. چرا که تمام مسائل زندگی به هویت و تفاوت‌های جنسیتی معطوف نیست بلکه یافتن معنای جدیدی از زندگی و درک جهان هستی نیز از زمره مواردی است که مخاطبان به آن علاقه‌مندند. بنابراین تعهد صحنه به مسائل روز و مسائل روان‌شناختی نسل جوان و اصالت اثر در واگویی اجتماعی، برگ برنده زنان نمایش‌نامه‌نویس بوده است. در کنار این مسائل نوآوری و خلاقیت در عرصه ساختار را نیز نباید از نظر دور داشت. زنان داستان‌نویس با شکست شیوه‌های معمول روایت، از بین بردن راوی دانای کل استفاده از راوی‌های متعدد، نوعی پیشگویی فرهنگی اجتماعی با مخاطب خود از تباط بیشتر برقرار می‌کنند. در اینجاست که مخاطب احساس می‌کند که آثار او در عین آنکه سعی کرده نگاهی به درون مایه‌های فرهنگی ایران، اساطیر و افسانه‌ها داشته باشد، با یک زبان پویا و نمایشی، داستانی را روایت می‌کند که می‌تواند داستان زندگی او هم باشد. نقطه قابل اهمیت قدرت هم‌ذات‌پنداری شدید زن با جامعه است. زن به دلیل ویژگی مادرانه‌اش و به دلیل اینکه اساساً زنان قصه‌گو هستند اگر آگاهی را با این ویژگی‌ها ادغام نماید فضای زیبا و جدیدی می‌آفریند.

در پایان این نشست فتح‌الله بی‌نیاز در باب نقد آثار زنان نویسنده ایران تصریح کرد: فردیت بدون مدرنیسم معنا ندارد. به همین دلیل، رمان از عوارض جانبی مدرنیسم محسوب می‌شود. فردیت همان خویش‌شناسی انسان است اعم از آنکه مرد باشد یا زن و خویش‌شناسی برای او کافی است. اگر زنی بتواند این مسئله را در اثر خود بازتابی کند، موفق است. اما به طور نسبی در حوزه ادبیات جدی ایران با سه مشکل روبه‌رویم. بعضی از نویسندگان به عرصه کدبانو نویسی روی می‌آورند، عده‌ای به حالت حس‌نویسی و گروهی به سری‌نویسی در آثار خود مشغول می‌شوند که این مسائل هر کدام به تحلیل بسیار نیاز دارد.